



The Structural and Functional Dynamics of the Public Diplomacy of the Iranian Foreign Policy*

Hadi Akhondi Nematabad*

Ebrahim Mottaghi** 

eza Shirzadi*** 

* PhD student, Department of International Relations, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. Email: hadi_akhondi@yahoo.com;

** Professor, University of Tehran, Tehran, Iran (corresponding author).
Email: emottaghi@ut.ac.ir;

*** Assistant professor, Department of Political Science, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. Email: shirzadi2020@yahoo.com



Abstract

The present research investigates the structural and functional dynamics of the public diplomacy of the Islamic Republic of Iran's foreign policy. The hypothesis suggests that Iran's public diplomacy institutions, particularly those directed at the "export of revolution," play a pivotal role in inspiring and shaping the country's public diplomacy efforts. To elucidate this hypothesis, the research draws upon John Millson's framework concerning soft power, identity, and public diplomacy. Methodologically, the research employs data analysis, content analysis, and examination of the behavioral model of each public diplomacy institution within Iran's foreign policy. The study concludes that following the Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA), Iran's public diplomacy encountered international pressures and strategic constraints. Notably, Iran's public diplomacy efforts manifested through interactions with various actors aimed at achieving equilibrium amidst counteractions. The attainment of any agreement

* Akhondi Nematabad, H., & Mottaghi, E. & Shirzadi, H. (2023). The Structural and Functional Dynamics of the Public Diplomacy of the Iranian Foreign Policy. *Political Science*, 26(103), pp. 199-228. <https://doi.org/10.222081/PSQ.2022.64929.2699>

* **Publisher:** Baqir al-Olum University, Qom Iran.

* **Type of article:** Research Article

▣ **Received:** 2022/07/13 • **Revised:** 2022/08/27 • **Accepted:** 2022/10/07 • **Published online:** 2023/09/24

© The Authors



necessitates a balance of power and expectations, prompting Iran to pursue public diplomacy through "second-path mechanisms" in collaboration with other influential actors. Addressing crises and managing security and economic challenges constitute significant aspects of Iran's public diplomacy behavioral patterns. Transparency-building and trust-making are identified as crucial initial steps, shaping the roadmap of public diplomacy to foster cooperative relations among stakeholders in resolving forthcoming challenges. Furthermore, the effectiveness of Iran's public diplomacy within its foreign policy framework hinges upon domestic solidarity and the implementation of a relatively coherent roadmap to promote cooperation among diverse actors. In the post-JCPOA era, Iran's public diplomacy strategy emphasized multilateral actions to mitigate economic threats arising from the reinstatement of post-JCPOA sanctions, thereby influencing the country's political and economic landscape.

Keywords

Public diplomacy, Iran's foreign policy, JCPOA, foreign politics.



الدورة الهيكلية والوظيفية للدبلوماسية العامة

في السياسة الخارجية الإيرانية*

هادي آخوندي نعمت آباد^۱ إبراهيم متقي^۲ رضا شيرزادي^۳

۱. طالب دكتوراه العلاقات الدولية، فرع كرج، جامعة آزاد الإسلامية، كرج، إيران.

hadi_akhondi@yahoo.com;

۲. أستاذ، جامعة طهران، طهران، إيران (الكاتب المسؤول).

emottaghi@ut.ac.ir;

۳. أستاذ مساعد، قسم العلوم السياسية، فرع كرج، جامعة آزاد الإسلامية، كرج، إيران.

hasan.ap.1986@gmail.com

الملخص

الهدف من البحث الراهن هو دراسة الدورة الهيكلية والوظيفية للدبلوماسية العامة في السياسة الخارجية للجمهورية الإسلامية الإيرانية. الفرضية هي أن الدورة الهيكلية والوظيفية للدبلوماسية العامة الإيرانية تشكل من خلال الإلهام ومؤسسات الدبلوماسية العامة للجمهورية الإسلامية المرتكزة على تصدير الثورة. تم استخدام مقارنة جان ميلسن في القوة الناعمة والهوية والدبلوماسية العامة لشرح البحث. يعتمد تنظيم البحث على منهجية تحليل البيانات وتحليل المحتوى وتحليل أنماط السلوك لكل مؤسسة من مؤسسات الدبلوماسية العامة في السياسة الخارجية الإيرانية. والنتيجة هي أن الدبلوماسية العامة الإيرانية بعد خطة العمل الشاملة المشتركة تأثرت بالضغوط الدولية والقيود الاستراتيجية. ويمكن مشاهدة العلامة الرئيسية للدبلوماسية العامة الإيرانية فيما يتعلق بالعمل المتبادل بين الجهات الفاعلة للوصول إلى نقطة التوازن. إن أي اتفاق يتطلب تشكيل توازن القوى وتكافؤ التوقعات؛ ولذلك حاولت إيران

* آخوندي نعمت آباد، هادي؛ متقي، إبراهيم و شيرزادي، رضا. (۲۰۲۳م). الدورة الهيكلية والوظيفية للدبلوماسية العامة في السياسة الخارجية الإيرانية. فصلية علمية محكمة علوم سياسي، ۲۶(۱۰۳)، صص ۱۹۹-۲۲۸.

تشکیل دیپلماسيتها العامة على شكل "آليات المسار الثاني" في عملية الاتفاق والتعاون مع الجهات الفاعلة وذات التأثير الأخرى. تعتبر تسوية الأزمات وإدارة التحديات الأمنية والاقتصادية جزءاً مهماً من الأنماط السلوكية للدبلوماسية العامة في إيران. وقد كانت الخطوة الأولى للدبلوماسية العامة الإيرانية مبنيةً على مؤشرات الشفافية وبناء الثقة. ويُعدّ رسم خارطة طريق للدبلوماسية العامة أمراً مهماً لأنّه سيُشكّل العلاقة المتبادلة بين الجهات الفاعلة لتسوية التحديات التي تواجه الدول. إنّ الدبلوماسية العامة للسياسة الخارجية الإيرانية سوف تتطلّب التضامن في البنية الداخلية واستخدام خارطة طريقٍ موحّدة نسبياً لتعزيز أنماط التعاون بين الجهات الفاعلة المتباينة. وفي بيئة ما بعد خطة العمل الشاملة المشتركة اعتمدت الدبلوماسية العامة الإيرانية على آليات العمل المتعددة الأطراف. وفي هذه العملية تشكّلت جهود إيران لتقليل التهديدات الاقتصادية الناجمة عن استئناف عقوبات ما بعد خطة العمل الشاملة المشتركة وتركت أثرها في أجواء الاقتصاد السياسي الإيراني.

كلمات مفتاحية

الدبلوماسية العامة، السياسة الخارجية الإيرانية، خطة العمل الشاملة المشتركة، العلاقات الخارجية.



چرخه ساختاری و کارکردی دیپلماسی عمومی

سیاست خارجی ایران*

هادی آخوندی نعمت‌آباد^۱ ابراهیم متقی^۲ رضا شیرزادی^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه روابط بین‌الملل، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

hadi_akhondi@yahoo.com;

۲. استاد دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

emottaghi@ut.ac.ir;

۳. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

Shirzadi2020@yahoo.com



چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی چرخه ساختاری و کارکردی دیپلماسی عمومی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. فرضیه آن است که چرخه ساختاری و کارکردی دیپلماسی عمومی ایران را الهام‌بخشی و نهادهای دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی معطوف به صدور انقلاب شکل می‌دهد. در تبیین پژوهش از رهیافت قدرت نرم، هویت و دیپلماسی عمومی جان میلسن استفاده شده است. تنظیم پژوهش بر اساس روش‌شناسی تحلیل داده‌ها، تحلیل محتوا و تحلیل الگوی رفتاری هر یک از نهادهای دیپلماسی عمومی سیاست خارجی ایران است. نتیجه اینکه دیپلماسی عمومی ایران پس از برجام تحت تأثیر فشارهای بین‌المللی و محدودیت‌های راهبردی قرار داشته است. اصلی‌ترین نشانه دیپلماسی عمومی ایران را می‌توان در ارتباط با کنش متقابل بازیگران برای نیل به نقطه تعادلی دانست. هرگونه توافق نیازمند شکل‌گیری موازنه

* **استاد به این مقاله:** آخوندی نعمت‌آباد، هادی؛ متقی، ابراهیم و شیرزادی، رضا. (۱۴۰۲). چرخه ساختاری و کارکردی دیپلماسی عمومی سیاست خارجی ایران. علوم سیاسی، ۲۶(۱۰۳)، صص ۱۹۹-۲۲۸.

<https://doi.org/10.22081/PSQ.2022.64929.2699>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام قم، ایران؛ © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۲؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۵؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۰۷/۰۲



قدرت و تعادل انتظارات می‌باشد؛ بنابراین ایران در صدد برآمد دیپلماسی عمومی خود را در قالب «سازوکارهای مسیر دوم» در فرایند توافق و همکاری با دیگر بازیگران تأثیرگذار شکل دهد. حل و فصل بحران و مدیریت چالش‌های امنیتی و اقتصادی به‌مثابه بخش قابل توجهی از قالب‌های رفتاری دیپلماسی عمومی ایران به شمار می‌آید. گام اول دیپلماسی عمومی ایران بر نشانه‌هایی از شفاف‌سازی و اعتمادسازی مبتنی بوده است. ترسیم نقشه راه دیپلماسی عمومی از این جهت اهمیت دارد که رابطه متقابل بازیگران برای حل و فصل چالش‌های فراروی کشورها را شکل خواهد داد. دیپلماسی عمومی سیاست خارجی ایران نیازمند همبستگی در ساختار داخلی و بهره‌گیری از نقشه راه به‌نسبت یکسانی برای پیشبرد الگوهای همکاری‌جویانه بین بازیگران نامتجانس خواهد بود. در فضای پساجامی، دیپلماسی عمومی ایران بر سازوکارهای کنش چندجانبه مبتنی بوده است. در این فرایند تلاش ایران برای حداقل‌سازی تهدیدهای اقتصادی ناشی از اعاده تحریم‌های پساجامی شکل گرفته و تأثیر خود را در فضای اقتصاد سیاسی ایران بر جای گذاشته است.

کلیدواژه‌ها

دیپلماسی عمومی، سیاست خارجی ایران، برجام، روابط خارجی.

مقدمه

سیاست خارجی ایران بر اساس نشانه‌هایی از مقاومت شکل گرفته است. مفهوم و سازوکارهای کنش معطوف به مقاومت در هر دوران تاریخی، نشانه‌های خاص مربوط به خود دارد. نشانه مقاومت به سیاست خارجی ایران در ساختار دوقطبی بر اساس راهبرد «نه شرقی و نه غربی» شکل گرفت. جهت‌گیری سیاست خارجی ایران در این دوران تاریخی بر «عدم تعهد رادیکال» مبتنی بوده و در ساختار پس از جنگ سرد، نشانه‌های مقاومت در سیاست خارجی ایران بازتولید شد.

هرگاه مفهوم سیاست خارجی مورد توجه قرار گیرد، باید موضوعاتی همانند منافع ملی تبیین گردد. سیاست خارجی به معنای پیگیری اهداف کشور در محیط بین‌المللی و در رابطه با جوامع، دولت‌ها و کشورهای دیگر است. سیاست خارجی، راهنمای موضع‌گیری در جهان است و مجموعه‌ای از اهداف بین‌المللی و راه‌های رسیدن به آنها را در بر می‌گیرد. سیاست خارجی کشورهای مختلف با هم متفاوت است و سیاست خارجی یک کشور نیز به مرور زمان تغییر می‌کند.

در تعریف سیاست خارجی قالب‌های ادراکی و تحلیلی مشخصی وجود ندارد. برخی ممکن است سیاست خارجی را تنها به فعالیت‌های وزارت امور خارجه مربوط بدانند یا آن را به فعالیت‌ها و تصمیم‌های کنشگران دولتی در حوزه سیاست حاد محدود کنند که بیشتر به مسائل امنیتی و سیاسی گره خورده است. برخی نیز تعریفی گسترده از سیاست خارجی داشته‌اند که شامل کنشگران غیردولتی و موضوعات مربوط به عرصه سیاست ملایم مانند محیط زیست و اقتصاد هست.

سیاست خارجی در چارچوبی دولت‌محور و در تعریفی معیار شامل دو عنصر اهداف ملی که باید به دست آیند و اهداف ابزاری است که برای رسیدن به اهداف از آنها استفاده می‌شود. روابط در سیاست خارجی در ابعاد فراملی و غیردولتی نیز دنبال می‌گردد. چه بسا در این نوع روابط یک کنشگر رسمی و دولتی و در دیگر سو یک کنشگر غیردولتی و فراملی حاضر باشد. در چنین شرایطی ابزار دستیابی به ارتباط خوب

و مؤثر با شیوه‌های رسمی متفاوت است که در چارچوب دیپلماسی‌های عمومی و فرهنگی تبیین می‌گردد (Zach, 2021, p.16).

دیپلماسی عمومی یکی از محورهای اصلی سیاست خارجی ایران است. درک شاخص‌های دیپلماسی عمومی ایران ارتباط مستقیم با قالب‌های مفهومی و ساختاری دارد. بازتولید مقاومت در سیاست خارجی ایران، بر نشانه‌هایی همانند «الهام‌بخشی»، «صدور انقلاب» و «سازماندهی جبهه مقاومت ضد نظام سلطه» مبتنی بوده است. چرخه ساختاری و کارکردی دیپلماسی عمومی سیاست خارجی ایران، تأثیر خود را در ارتباط با موضوع‌هایی از جمله دیپلماسی هسته‌ای و برنامه جامع اقدام مشترک بر جای گذاشته است.

چرخه ساختاری و کارکردی دیپلماسی عمومی سیاست خارجی ایران تابعی از شاخص‌های درون‌ساختاری متناسب با اهداف منطقه‌ای و بین‌المللی سیاست خارجی ایران خواهد بود. قالب‌های هویتی به‌عنوان نماد و نشانه تمایزبخش سیاست خارجی ایران به شمار می‌آید. هرگاه کشوری همانند ایران از سازوکارهای کنش هویتی بهره‌مند شود، در آن شرایط به‌گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر خواهد کوشید شکل جدیدی از قالب‌های رفتاری در سیاست منطقه‌ای را به کار گیرد.

مسئله اصلی این پژوهش آن است که دیپلماسی عمومی سیاست خارجی ایران، چه ویژگی‌هایی دارد و چه تأثیری بر الگوی رفتاری ایران در ارتباط با موضوعات مختلف سیاست خارجی از جمله دیپلماسی هسته‌ای یا مقاومت در محیط منطقه‌ای بر جای گذاشته است. درک چنین موضوعی نیازمند شناخت شاخص‌های بنیادین سیاست خارجی ایران و همچنین شناخت نقش دیپلماسی عمومی برای بهینه‌سازی و تحقق اهداف سیاست خارجی خواهد بود.

ضرورت کاربرد دیپلماسی عمومی نیز همچون دیگر انقلاب‌های بزرگ امری انکارناپذیر است. اگر عامل فرهنگ یکی از مهم‌ترین منابع دیپلماسی عمومی است، اساساً انقلاب اسلامی ایران به‌حق به این شهرت رسیده است که انقلابی فرهنگی، یعنی انقلابی مبتنی بر فرهنگ و برای فرهنگ بوده است. اگر مذهب از عوامل تعیین‌کننده در

ایجاد دیپلماسی عمومی به شمار می آید، انقلاب اسلامی ایران، انقلابی مبتنی بر دین اسلام و مذهب تشیع بوده است که بدان قدرت نفوذ و اثرگذاری در میان دست کم یک میلیارد مسلمان را داشته است (Obama, 2015, p. 9).

انقلاب اسلامی ایران با بهره‌مندی و بهره‌گیری از انقلابی با رسالت و پیامی جهان‌شمول، با جایگاهی ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، با طرح عدالت، صلح، هویت و نفی ظلم و حمایت از مظلوم در اصول سیاست خارجی خود با تلاش در جهت ایجاد وحدت و همبستگی میان امت اسلامی، با رهبری بیداری اسلامی، اسلام سیاسی در جهان اسلام و کل جهان، با اسلام‌سازی و جهانی‌سازی با شرایط محدودسازی شرایط و با تبدیل مقاومت به یک ارزش و اصل مقبول در روابط بین‌الملل با نقش مثبت، سازنده و راهگشا در حل و فصل بحران‌های منطقه‌ای می‌باشد.

براین اساس پرسش‌های اصلی و فرعی مختلفی باید پاسخ گفته شوند. پرسش اصلی به این موضوع اشاره دارد که چرخه ساختاری و کارکردی دیپلماسی عمومی سیاست خارجی ایران، چه نشانه‌ها، ویژگی‌ها و کارکردی دارد. پرسش‌های فرعی نیز رابطه مستقیم با موضوعات مقاله دارد؛ بنابراین می‌توان این پرسش‌های فرعی را مطرح کرد که اولاً، چرخه ساختاری و کارکردی دیپلماسی عمومی سیاست خارجی ایران، چه نشانه‌هایی دارد؟ ثانیاً، «چرخه ساختاری و کارکردی دیپلماسی عمومی سیاست خارجی ایران، دارای چه مراجعی خواهد بود؟ ثالثاً، چرخه ساختاری و کارکردی دیپلماسی عمومی سیاست خارجی ایران، چه کارکردی در موضوعات سیاست خارجی ایران داشته است؟

بررسی شاخص‌های مربوط به چرخه ساختاری و کارکردی دیپلماسی عمومی سیاست خارجی ایران از این جهت اهمیت دارد که زمینه شناخت روندهای سیاست خارجی ایران را ایجاد می‌کند. هر فرایند سیاست خارجی می‌تواند بخشی از معادله قدرت و امنیت تلقی می‌شود؛ بنابراین شاخص‌های سیاست خارجی ایران در محیط منطقه‌ای به‌ویژه در فضای مقاومت نقش بسیار مؤثری در شناخت واقعیت‌های محیط رفتاری و الگوی دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی خواهد داشت. کنش منطقه‌ای

ایران حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش و مقابله با سیاست توسعه قدرت و هژمونی آمریکا بوده است. هر کدام از گزینه‌های یادشده، زیرساخت‌های صدور انقلاب را امکان‌پذیر می‌سازد. صدور انقلاب به تقویت هویت مقاومت در کشورهای منجر می‌شود که دارای نظام‌های سیاسی محافظه‌کار و غرب‌گرا هستند. هویت مشروعیت‌بخش درباره کشورهای به کار می‌رود که در آنها زمینه‌های لازم برای همکاری سازمان‌یافته جامعه و گروه‌های انقلابی فراهم می‌شود.

۱. ضرورت‌های کاربرد دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی ایران

روندهای سیاسی و تحولات بین‌المللی تأثیرگذار بر دیپلماسی و روند سیاست خارجی، بیانگر این واقعیت است که نظام‌های سیاسی انقلابی همواره از شاخص‌های دیپلماسی عمومی برای ارتقای موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی خود بهره می‌گیرد. ایدئولوژی و کنش انقلابی یکی از نشانه‌های اصلی دیپلماسی عمومی ایران برای تحقق اهدافی همانند صدور انقلاب است. در چنین شرایطی سیاست خارجی ایران ماهیت هویتی پیدا می‌کند (رحمانی، ۱۳۹۴، ص ۷۳).

دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی ایران به برنامه‌های حمایتی دولت اشاره دارد که هدف از آنها اطلاع‌رسانی یا تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی دیگر کشورهاست. ابزار اصلی آن نیز انتشار متن‌ها، تصویرها، دادوستدهای فرهنگی، رسانه‌های همگانی و اینترنت است. به موازات «قدرت سخت‌افزاری»، جلوه‌های جدید از قدرت با نشانه‌های نرم‌افزاری ارائه شد. این امر به مفهوم آن است که قدرت، امنیت و سیاست خارجی تحت تأثیر عناصر نوی قرار گرفته‌اند. در نظام بین‌الملل امروز، به کارگیری دیپلماسی عمومی از ابزارهای تعیین‌کننده تحقق اهداف ملی و تأمین امنیت ملی کشورها شمرده می‌شود. شاخص‌های دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی ایران انعکاس ماهیت انقلاب اسلامی است. جوزف‌نای از نظریه‌پردازان قدرت نرم، به این شکل از دیپلماسی اشاره دارد. در واقع دیپلماسی عمومی، یک گونه نرمی از دیپلماسی است که با رسمی بودن و تشریفات سروکار ندارد و ابزار متفاوت خود را دارد (Nye, 2002, p. 17).

۱-۱. هویتی‌سازی فرایندهای سیاست خارجی ایران

اولین و اصلی‌ترین ضرورت کاربرد دیپلماسی عمومی را می‌توان هویتی‌سازی فرایندهای سیاست خارجی ایران دانست. هویت می‌تواند به مثابه مزیت نسبی سیاست خارجی ایران ایفای نقش کند. شکل‌بندی‌های هویتی در شرایطی پدید می‌آید که قالب‌های فکری، ایستاری و ادراکی سیاست خارجی ایران با ساخت سیاسی کشورهای منطقه‌ای متفاوت باشد؛ درحالی‌که قالب‌های ذهنی و ارزشی آن با قالب‌های مفهومی و ادراکی گروه‌های اجتماعی و شهروندان محیط پیرامونی همگونی و همبستگی داشته باشد.

هرگاه ایدئولوژی در پیوند با الگوهای فضای کنش اجتماعی، منطقه‌ای و بین‌المللی قرار گیرد، به هویت تبدیل می‌شود. سیاست خارجی ایران را می‌توان انعکاس همکاری‌های چندجانبه با بازیگران فراملی، فراملی و دولتی دانست. نشانه‌های چنین مواردی در ارتباط با تلاش حوزه دیپلماسی عمومی شکل می‌گیرد. دیپلماسی عمومی می‌تواند تأثیر خود را بر قالب‌های ادراکی نیروهای اجتماعی و گروه‌های انقلابی در محیط منطقه‌ای به‌جا گذارد (سازمند و براتی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۵).

دیپلماسی عمومی سیاست خارجی ایران از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند زمینه‌های لازم برای چندجانبه‌گرایی در روابط خارجی را به وجود آورد. همکاری‌های مرحله‌ای ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس گام نخستین دیپلماسی عمومی است. رسانه‌ها، نهادهای پژوهشی و سرویس‌های امنیتی را می‌توان به‌عنوان اصلی‌ترین بازیگر و کارگزار تأثیرگذار دیپلماسی عمومی ایران در دوران پس از برجام دانست.

۲-۱. بهینه‌سازی و بازتولید منافع و قدرت ملی ایران

دومین ضرورت دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی هر کشوری، بهینه‌سازی منافع و قدرت ملی است. دیپلماسی عمومی می‌تواند زمینه‌کنش ارتباطی با شهروندان و نظریه‌پردازان کشورهای رقیب را فراهم آورد. هرگونه کنش ارتباطی مبتنی بر تلاش برای متقاعدسازی بازیگران و نیروهای سیاسی رقیب در شرایط پرمخاطره امنیتی و

ژئوپلیتیک خواهد بود؛ به این ترتیب روندهای جدیدی از منافع ملی از طریق کنش ارتباطی با مجموعه‌های شهروندی کشورهای مخاطب پدید می‌آید.

بهینه‌سازی و بازتولید منافع ملی بدون توجه به سازوکارهای کنش دیپلماتیک حاصل نمی‌شود. یکی از شاخص‌های اصلی دیپلماسی در عرصه روابط دوجانبه و چندجانبه را کنش ارتباطی در قالب فضای اجتماعی شکل می‌دهد. الگویی که به عنوان دیپلماسی عمومی از آن یاد شده و زمینه لازم برای متقاعدسازی بازیگران رقیب از طریق سازوکارهایی همانند متقاعدسازی، تفهیم منافع متقابل، بازتولید ادراک همگون و تنظیم خط‌مشی مشترک برای مقابله با تهدیدهای آینده را فراهم می‌سازد.

سیاست خارجی هر کشوری به‌طور مستقیم با عناصر قدرت ملی آن کشور در ارتباط است. سیاست خارجی به‌طور کلی فعالیت‌های یک کشور در محیط و شرایط خارجی به منظور دستیابی به اهداف و منافع ملی را در بر می‌گیرد که متأثر از قدرت و توانایی‌های آن کشور ظهور می‌یابد. دیپلماسی مهم‌ترین راه و ابزار دستیابی به این اهداف و منافع است. موفقیت یک سیاست خارجی به‌ویژه از طریق کاربرد دیپلماسی فعال امکان‌پذیر خواهد بود.

دیپلماسی فعال زمانی اتفاق می‌افتد که سیاست و دیپلماسی مربوط ضمن درک شرایط زمانی و مکانی مبتنی بر ارزیابی دقیق واقعیت‌های جهانی، بین‌المللی، منطقه‌ای و البته داخل کشور در ارتباط با دیگر بازیگران نظام جهانی باشد؛ همچنین متناسب با نیازهای درازمدت و کوتاه‌مدت، حتی‌الامکان عاری از تعارضات گوناگون باشد، توسط نیروها و عوامل داخلی حمایت شود و از سوی نهادهای بین‌المللی نیز قابل قبول و تعاملی فرض شود و در نهایت به وسیله منابع دیپلماسی عمومی و سخت اقتصادی، سیاسی، صنعتی، فرهنگی و راهبردی کشور تکمیل شود (Nye, 2002, p. 63).

در کشورهای مختلف، نهادها و اشخاصی مسئول هدایت دیپلماسی عمومی هستند و در ایران نیز نهادها و اشخاصی عهده‌دار این مسئولیت‌اند. با گسترش و بهره‌برداری از دیپلماسی عمومی و فرهنگی از طریق ابزارهای مشخص آن، دیپلماسی پویایی بهتری یافته، اراده‌های یک کشور در نظام بین‌الملل بهتر تبیین و تشریح می‌گردد؛ برای مثال

یک کشور، برای ارتباط بهتر با کشورهای پیرامونی می‌تواند صرف تکیه بر دیپلماسی رسمی و تشریفاتی، بر عناصر فرهنگی، قومیتی، زبانی، دینی، مذهبی و آیینی مشترک نیز تکیه کند (داداندیش و احدی، ۱۳۹۰).

با این وصف، پیوندهای ایجادشده از طریق دیپلماسی‌های عمومی قوی‌تر و ناگسستنی‌تر است. یک کشور از طریق دیپلماسی عمومی می‌تواند مشروعیت بیشتری به اقدامات و خواست‌های خود بدهد و اذهان عمومی و افکار بین‌المللی را برای پذیرش اهداف خود آماده سازد. رسانه، نهادهای آموزشی، مؤسسه‌های فرهنگی و دینی، اشخاص تأثیرگذار و الگو... از جمله ابزار در خدمت دیپلماسی عمومی هستند. چنانچه کشوری بتواند از ابزار مؤثر در دیپلماسی عمومی بهره‌بردارد، تصویری مثبت از خود ارائه می‌دهد یا با تصویرهای منفی ایجادشده توسط دشمنان مبارزه می‌کند. جمهوری اسلامی ایران نیز از ابتدای انقلاب با شیوه‌های مختلف در امر دیپلماسی عمومی، سعی در ایفای نقش فعال دارد.

۲. ویژگی‌های دیپلماسی عمومی سیاست خارجی ایران

مهم‌ترین ویژگی دیپلماسی عمومی آن است که حقانیت و مشروعیت لازم را برای بازیگران سیاسی و اهداف راهبردی آنان پدید می‌آورد. الگوی رفتاری دیپلماسی عمومی ایران بر اساس نشانه‌هایی از مشروعیت‌یابی، چندجانبه‌گرایی و همکاری‌های منطقه‌ای برای بهینه‌سازی قدرت ملی کشور شکل گرفته است. هدف اصلی ایران در کاربرد دیپلماسی عمومی را می‌توان فعال‌سازی چندجانبه‌گرایی در روندهای سیاسی و سیاست خارجی دانست.

دیپلماسی عمومی برای خنثی‌سازی فشارهای بین‌المللی شکل می‌گیرد و قادر خواهد بود تا جلوه‌هایی از همکاری و مشارکت چندجانبه بین ساخت سیاسی ایران، بازیگران منطقه‌ای و نهادهای بین‌المللی را فراهم سازد. دیپلماسی عمومی از قابلیت لازم برای بازتولید هویت مشروعیت‌بخش برخوردار است و اگر به خوبی شکل گیرد، در آن شرایط خواهد توانست قالب‌های هویتی را به سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی تبدیل کند.

۱-۲. حداکثرسازی کنش ارتباطی با بازیگران محیط پیرامونی

اولین ویژگی دیپلماسی عمومی را باید حداکثرسازی کنش ارتباطی دانست. کنش ارتباطی در شرایطی شکل می‌گیرد و بازتولید می‌شود که عرصه سیاست خارجی کشورها دارای زبان، اهداف، هویت، قالب‌های ارزشی و ایستارهای مشترک با دیگر بازیگران باشد. کنش ارتباطی زیرساخت‌های لازم برای همکاری‌های چندجانبه را ایجاد می‌کند. هرگونه همکاری به‌عنوان تلاش سازمان‌یافته جهت تأمین منافع مشترک یا مقابله با تهدیدهای مشترک خواهد بود. کاربرد سازوکارهای دیپلماسی عمومی در مناطقی همانند جنوب غرب آسیا اهمیت بیشتری دارد (Mossalanejad, 2018, p. 35).

شاخص‌های کنش ارتباطی بر اساس درک مشترک اهداف سیاست خارجی کشورها حاصل می‌شود. هر کشور و بازیگری باید احساس کند که برای دستیابی به اهداف و منافع مشترک به شکل خاصی از کنش ارتباطی نیاز خواهد داشت. کنش ارتباطی موضوعی ادراکی و هویتی تلقی می‌شود. شناخت نیازهای متقابل هر بازیگر به‌عنوان زیربنای دیپلماسی عمومی تلقی می‌شود. کاربرد دیپلماسی عمومی برای مشروعیت‌بخشی به اهداف سیاست خارجی خواهد بود.

به‌کارنستن بهینه و مؤثر دیپلماسی عمومی، به‌عنوان مهم‌ترین چالش آتی حکمرانی در جهان خواهد بود. شدت این چالش چنان است که دولت‌ها در کلیه سطوح با این چالش که ماهیت ادراکی و ارتباطی دارد، مواجه خواهند بود. اساساً دیپلماسی عمومی مولد قالب‌های شناختی و ادراکی است. هر بازیگری که شناخت دقیق‌تری از محیط پیرامونی خود داشته باشد، به نتایج مطلوب‌تری در فضای سیاسی و امنیتی نایل می‌شود (Mallett, 2021, p. 19).

منظور از ابعاد این نیاز اساسی، تسری دیپلماسی عمومی به سطح خرد و کلان، سطح دولتی و خصوصی، سطح فردی و اجتماعی، سطح ملی و منطقه‌ای و جهانی است. برای فهم بهتر این نکته باید عنایت داشت که بدون دیپلماسی عمومی، به جهت‌دهی افکار عمومی و ادراک‌سازی از مفاهیم پیچیده عرصه بین‌الملل قادر نخواهیم بود. به عبارت

صحیح تر، بدون دیپلماسی عمومی امکان مهار موضوع‌هایی از جمله افکار عمومی، مطالبات ملی و انسجام ملی پدید نمی‌آید.

هرگونه سازوکار دیپلماسی عمومی بر یک تصمیم‌فراگیر در عرصه ملی با تأثیرات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی مبتنی است؛ از همین رو توجه به دیپلماسی عمومی به‌عنوان هسته اصلی و تأثیرگذار سیاست خارجی برای تأمین منافع ملی کشورها به شمار می‌آید. دیپلماسی عمومی تلفیقی از قابلیت‌های ساختاری نهادهایی شمرده می‌شود که قادر خواهند بود تا زمینه لازم برای کنش ارتباطی موثر با دیگران را در دستور کار قرار دهند. در روند دیپلماسی عمومی، کلیه ابزارهای فرهنگی، اجتماعی، هویتی و ساختاری دولت به کار گرفته می‌شود (آشنا و جعفری هفت‌خوانی، ۱۳۹۶).

۲-۲. چندجانبه‌گرایی سیاست خارجی ایران

دومین ویژگی دیپلماسی عمومی سیاست خارجی ایران چندجانبه‌گرایی است. چندجانبه‌گرایی در هر دوران تاریخی دارای قالب‌های معنایی و مفهومی خاص خود است. چندجانبه‌گرایی بدون سازوکارهای دیپلماسی عمومی نمی‌تواند نتایج مطلوب و مؤثری در حوزه سیاست خارجی و الگوی کنش متقابل بازیگران داشته باشد. چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی نیازمند بهره‌گیری از ابزارهایی برای متقاعدسازی دیگر بازیگران به شمار می‌آید.

همکاری و کنش ارتباطی سیاست خارجی ایران که به مشارکت با گروه‌های هویتی گردیده است، زمینه ارتقای سطح تحرک سیاسی ایران برای اعاده حقوق و ضرورت‌های ژئوپلیتیک ایران در محیط منطقه‌ای را فراهم می‌سازد. شناخت واقعیت‌های محیط منطقه‌ای و بین‌المللی بیانگر این واقعیت است که چندجانبه‌گرایی می‌تواند زمینه‌بهنه‌سازی همکاری‌های ایران با گروه‌های هویتی، نیروهای اجتماعی، افکار عمومی محیط منطقه‌ای و نهادهای بین‌المللی را فراهم سازد.

ایالات متحده سیاست مقابله فراگیر با ایران را در دستور کار قرار داده است. در چنین شرایطی، دیپلماسی عمومی سیاست خارجی ج.ا.ا. باید بتواند زیرساخت‌های لازم

برای مقابله با تهدیدهای آمریکا را فراهم سازد. اولین سازوکار تحقق این امر متنوع سازی عرصه سیاست، قدرت و امنیت ملی ایران خواهد بود. نشانه دوم مبتنی بر همکاری های چندجانبه ایران با کشورهای هند، پاکستان، روسیه و چین در نظر گرفته شده است. بهینه سازی روابط با این کشورها مطلوبیت قابل توجهی برای سیاست خارجی ج.ا.ا. خواهد داشت.

یکی دیگر از نشانه های چندجانبه گرایی سیاست خارجی ایران، بهینه سازی منافع اقتصادی در فضای تحریم های بین المللی است. ایران همواره کوشیده است شکل خاصی از اقتصاد سیاسی بین المللی را بر اساس همکاری های چندجانبه تدوین و طراحی کند. اقتصاد سیاسی ایران در دوران پس از برجام نیازمند همکاری های چندجانبه با نهادهای اقتصادی بین المللی است که بخشی از آن می تواند از طریق سازوکارهای دیپلماسی عمومی گردد (پوراحمدی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۶۵).

دیپلماسی عمومی به عنوان ابزار جانبی کشورها جهت تسهیل روندهای مربوط به سیاست خارجی خواهد بود. موفقیت دیپلماسی عمومی مربوط به دورانی است که پیوند و همبستگی آن با حوزه دیپلماسی رسمی کشور به وجود آید؛ در غیر این صورت هر کشوری با چالش های اقتصادی و راهبردی خاص خود روبه رو می شود. دیپلماسی عمومی می باید خلأ ارتباطی و رفتاری هر کشوری در حوزه سیاست خارجی و دیپلماسی رسمی را بازتولید کند (Lawlor & et al., 2021, p. 19).

چندجانبه گرایی دیپلماسی اقتصادی ایران، از این جهت اهمیت دارد که شکل بندی های روابط اجتماعی و فرهنگی را در فضای کنش ارتباطی منعکس می سازد. اگرچه دیپلماسی عمومی ماهیت ارتباطی، فرهنگی، هویتی و ساختاری دارد، میزان اثربخشی آن در شرایطی افزایش می یابد که ارتباط مستقیم و درهم تنیده با حوزه دیپلماسی کلاسیک برقرار کند. به طور کلی هر گونه کنش اقتصادی ایران در دوران پس از برجام به همان گونه ای که ماهیت اقتصادی داشته، بر نشانه هایی از همکاری های چندجانبه مبتنی بوده است (نیک آیین، ۱۳۸۸).

دیپلماسی عمومی سیاست خارجی ایران تابعی از شکل بندی های ساختاری، نهادی و

رفتاری جمهوری اسلامی در دوران گذار خواهد بود. نقش‌یابی ایران در نهادهایی مانند سازمان همکاری‌های شانگهای، بریکس پلاس و ارتقای سطح همکاری‌های ایران با سازمان کشورهای اقتصادی اکو را می‌توان بخشی از فضا و فرایند چندجانبه‌گرایی ایران در اقتصاد و سیاست بین‌الملل دانست. توسعه این‌گونه همکاری‌ها بر اساس سازوکارهای دیپلماسی رسمی به موازات دیپلماسی عمومی حاصل می‌شود.

سیاست نه شرقی و نه غربی ایران تابعی از ضرورت‌های ساختاری نظام دوقطبی بوده است. در ساختار جدید نظام بین‌الملل که مقام معظم رهبری بر نشانه‌هایی از «تغییر در هندسه قدرت نظام جهانی» تأکید داشته‌اند، ایران می‌تواند از چندجانبه‌گرایی منطقه‌ای در سیاست خارجی خود استفاده کند. هرگونه منطقه‌گرایی تابعی از سازوکارهای سیاست قدرت برای کنترل معادله امنیت در فضای همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه خواهد بود.

۲-۳. عبور از انفعال و انزوای دیپلماتیک

نقش‌یابی دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی ایران یکی از محورهای اصلی مهار چالش امنیتی خواهد بود؛ به همین دلیل نهادها و ابزارهای دیپلماسی عمومی می‌توانند نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای در اقتصاد و سیاست خارجی ایران ایفا کنند. نقش‌یابی دیپلماسی عمومی در حوزه اقتصاد سیاسی و جایگاه دیپلماتیک ایران در محیط منطقه‌ای از آن جهت اهمیت دارد که زمینه شکل‌گیری اقدامات آینده و جهت‌دهی به افکار و عمل کارگزاران اجتماعی و سیاست خارجی دیگر کشورها در ارتباط با کنش همبسته با اهداف منطقه‌ای ایران را امکان‌پذیر می‌سازد.

کارویژه اصلی دیپلماسی عمومی ج.ا.ا. را می‌توان به کارگیری سازوکارهایی برای گذار از انفعال و انزوای بین‌المللی دانست. برخی از بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ بیشتر تلاش کردند تا زمینه لازم برای محدودسازی قدرت ایران را فراهم آورند. مایکل پمپئو، وزیر خارجه آمریکا در دولت دونالد ترامپ، نقشه راه دوازده‌ماده‌ای برای مقابله و محدودسازی ایران در سیاست بین‌الملل را طراحی کرد. عبور از چنین فشارها و

فرایندی نیازمند تحرک دیپلماتیک و کاربرد دیپلماسی عمومی بوده است. درباره شکل‌بندی دیپلماسی عمومی سیاست خارجی ایران، نشانه‌هایی از همکاری‌های چندجانبه وجود داشته است. هر یک از این همکاری‌ها در الگوی کنش رفتاری نهادهای دیپلماسی عمومی ایران منعکس شده است. پژوهشگران مختلفی کوشیده‌اند تا نقش دیپلماسی عمومی ایران در محیط منطقه‌ای و سیاست بین‌الملل را تبیین کنند. چندجانبه‌گرایی سیاست خارجی و دیپلماسی عمومی ایران به اعاده بخشی از قابلیت‌های سیاسی و بین‌المللی جمهوری اسلامی پس از خروج دونالد ترامپ از برجام منجر شده است (Brehony, 2020, p. 35).

خروج دونالد ترامپ از برجام با هدف انزوا و انفعال ایران انجام گرفت. دونالد ترامپ درصد برآمد تا محدودیت‌های اقتصادی علیه ایران ایجاد کند. خروج ترامپ از برجام به مفهوم نادیده گرفتن قواعد عمومی سیاست بین‌الملل خواهد بود. در چنین شرایطی است که دیپلماسی عمومی ایران بر اساس نشانه‌هایی از چندجانبه‌گرایی شکل گرفته و زمینه ظهور سطح جدیدی از همکاری‌های اقتصادی ایران با کشورهای مانند چین و نهادهایی از جمله سازمان همکاری‌های شانگهای را فراهم آورده است.

یکی از ویژگی‌ها و نشانه‌های اصلی دیپلماسی عمومی ایران در محیط منطقه‌ای انعکاس داشته است. دیپلماسی عمومی ایران زمینه شکل‌گیری محور مقاومت را به وجود آورد. محور مقاومت بخشی از فضای کنش سیاسی و ژئوپلیتیک ایران به شمار می‌آید که زمینه ارتقای سیاست خارجی ایران در محیط منطقه‌ای را پدید آورده است. جبهه مقاومت نماد همبستگی فرهنگی، هویتی، تاکتیکی و راهبردی ایران با کشورهای منطقه‌ای به شمار می‌آید (سلیمی‌بنی و مجاورشیرخان، ۱۳۹۲).

جبهه مقاومت توانست زمینه‌های لازم برای تولید گفتمان مقاومت در محیط منطقه‌ای را پدید آورد. گفتمان مقاومت بخشی از قالب‌های ادراکی ایران برای اثربخشی در محیط منطقه‌ای به شمار می‌آید. دیپلماسی عمومی می‌بایست زمینه لازم برای همبستگی ادراکی و ایستاری کشورهای مختلف را پدید آورد. این‌گونه از همبستگی‌ها زمینه لازم را برای نشانه‌هایی از گشایش اقتصادی، امید به آینده

کنش ارتباطی، همدلی، حمایت‌گری و مثبت‌گرایی در کنش ارتباط منطقه‌ای را امکان‌پذیر ساخت.

۲-۴. قالب‌های گفتمانی دیپلماسی عمومی ایران

گفتمان‌های دیپلماسی عمومی از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند زمینه لازم را میان همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه فراهم سازد. سیاست خارجی هر کشوری تحت تأثیر قالب‌های گفتمانی شکل می‌گیرد. گفتمان را می‌توان محور اصلی رفتار کارگزاران سیاست خارجی برای تأمین اهداف و منافع ملی دانست. کشورهایی همانند ایران می‌تواند از طریق نشانه‌هایی از تنوع گفتمانی در حوزه سیاست خارجی، موقعیت خود در محیط منطقه‌ای را ارتقا دهند (هادیان و بلورچی، ۱۳۹۳).

هر یک از این گفتمان‌ها یکی از محورهای اصلی دیپلماسی عمومی ایران به شمار می‌آید. چندجانبه‌گرایی دیپلماسی عمومی ایران محور اصلی سیاست خارجی در دوران‌های مختلف بوده و این امر در فضای پسابرجام به گونه مشهودی بازتولید شده است. رویکردهای دیپلماسی عمومی ایران به تحقق اهداف خاص و مربوط به خود معطوف است و رویکرد اول بر نشانه‌هایی از «گفتمان تعامل و همکاری‌های گسترش‌یابنده» مبتنی بوده است (Erdbrink, 2013, p. 5).

اگرچه محور اصلی تفکر ژئوپلیتیک جهان غرب را سلطه تشکیل می‌دهد، در واقع چانه‌زنی متقابل می‌تواند زمینه ایجاد تعادل ژئوپلیتیک را به وجود آورد. شکل‌گیری تعادل در فضای کنش ارتباطی حاصل می‌شود. همواره هر بازیگری می‌کوشد موقعیت خود را ارتقا دهد و در صدد کسب منافع و مطلوبیت‌های مازاد برآید. کنش دیپلماتیک به‌ویژه سازوکارهای دیپلماسی عمومی می‌تواند بخش قابل توجهی از این گونه رقابت‌های سیاسی را ترسیم کند.

تجربه ایران و بسیاری دیگر از کشورهای منطقه‌ای بیانگر این واقعیت است که صلح ناقص همواره می‌تواند چالش‌های امنیتی جدیدی را بازتولید کند. تاریخ روابط بین‌الملل بیانگر این واقعیت است که بخش قابل توجهی از رقابت‌ها و

منازعه‌های بین‌المللی در دوران پس از «مصلحه مبهم» شکل گرفته است. دیپلماسی عمومی می‌تواند زمینه ترمیم مصالحه مبهم را فراهم آورد. شکست مذاکرات به شرایطی مربوط است که زمینه برای ظهور قالب‌های ادراکی و گفتمانی ستیزه‌جویانه بازتولید می‌شود.

اگرچه ایران از گفتمان مصالحه بهره می‌گرفت، جهان غرب محور اصلی تفکر خود را قدرت‌یابی و مهار دیگر بازیگران تشکیل می‌دهد. مصالحه مبهم این ویژگی را دارد که زمینه بازتولید تضادهای ژئوپلیتیک و راهبردی کشورها را پدید می‌آورد. اگر دیپلماسی عمومی ایران در دوران پس‌ابرجام می‌توانست زمینه لازم برای تولید قالب‌های گفتمانی مبتنی بر همکاری‌های متقابل را به وجود آورد، در آن شرایط میزان موفقیت ترامپ در عبور از برج‌بام به میزان قابل توجهی کاهش می‌یافت.

۳. پیوند دیپلماسی عمومی و گزینه‌های راهبردی پس‌ابرجام ایران

اعاده تحریم‌های اقتصادی آمریکا و کشورهای اروپایی علیه ایران بیانگر این واقعیت است که برنامه جامع اقدام مشترک کارکرد خود را از دست داده است. در چنین شرایطی، کارگزاران دیپلماتیک راهبردی ایران بر اساس «سیاست‌گذاری مصالحه راهبردی» نیازمند بهره‌گیری از سازوکارهای جدید برای محدودسازی پیامدهای تحریم‌های اقتصادی و فشارهای راهبردی علیه ایران خواهند بود. محور اصلی اقدامات محدودکننده ترامپ را تلاش برای کاهش منافع اقتصادی و راهبردی ایران می‌توان دانست (Biden, 2020, p. 7).

در دوران فرابرجام، دونالد ترامپ و تیم راهبردی کاخ سفید کوشیدند ایران را به‌عنوان بازیگر گریز از مرکز و نقض‌کننده قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت معرفی کنند. در این فرایند، کشورهای انگلیس و کانادا در حمایت از سیاست‌های راهبردی آمریکا در صدد برآمدند تا فشارهای بین‌المللی بیشتری را بر اساس مفاد قطعنامه ۲۲۳۱ در ارتباط با ایران اعمال کنند و اگر وتوی روسیه نبود، به‌طبع امکان تشدید محدودیت‌های راهبردی علیه ایران اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسید.

۱-۳. مدیریت بحران در سیاست خارجی ایران

یکی از کارویژه‌های اصلی دیپلماسی عمومی را باید بهره‌گیری از سازوکارهایی دانست که زمینه لازم را برای مدیریت بحران به وجود می‌آورد. مدیریت بحران به مفهوم بهره‌گیری از سازوکارهایی است که یک کشور بر اساس تمامی قابلیت‌های خود تلاش می‌کند تا به حداکثرسازی معادله قدرت و اثربخشی پیرامونی نایل گردد. دیپلماسی عمومی از این جهت قابلیت اثربخشی در محیط پیرامونی را دارد که قادر خواهد بود شکل‌های جدیدی از کنش متقابل را برای حل و فصل چالش‌های ایجاد شده پدید آورد.

ضرورت‌های سیاست‌گذاری راهبردی ایجاب می‌کند که ایران از سازوکارهایی برای مدیریت بحران استفاده کند که به منافع دو جانبه و متقابل منجر شود. هرگونه سیاست اجرایی برای پایان‌دادن به تحریم‌های اقتصادی ایجاب می‌کند که از «سیاست‌گذاری همکاری‌های چندموضوعی» استفاده کند. پایان‌دادن به فرایند تحریم اقتصادی و فشارهای راهبردی علیه ایران صرفاً از طریق دیپلماسی و الگوهای تاکتیکی حاصل نمی‌شود (Landale, 2021, p. 4).

هر یک از بازیگران سیاست بین‌الملل تلاش دارند تا در شرایط بحران، موقعیت بهینه را از طریق توافق به دست آورند. الگوی کنش راهبردی چین در دهه ۱۹۷۰م. زمینه‌های لازم برای سیاست‌گذاری معامله بزرگ را ایجاد کند. سیاست‌گذاری همکاری‌های چندموضوعی به مفهوم آن است که بین حوزه مطالبات ایران و ایالات متحده توازن جدیدی ایجاد شود. دونالد ترامپ تلاش دارد تا ایران را با محدودیت‌های بیشتری در حوزه‌های راهبردی روبه‌رو سازد.

تقسیم کار سازمانی و اجرایی در کاخ سفید انجام شده است. هر یک از کارگزاران اجرایی کابینه ترامپ تلاش دارند تا محدودیت‌های جدیدتری را علیه ایران ایجاد و اعمال کنند. گذار از محدودیت‌ها نیازمند بهره‌گیری از سازوکارهایی است که مبتنی بر سیاست‌گذاری مصالحه، زمینه ایجاد همکاری‌های چندجانبه را برای مقابله با تهدیدهای مشترک به وجود می‌آورد. کشورها به این دلیل نیازمند سیاست‌گذاری راهبردی هستند

که محاسبه دقیق از هزینه‌ها و منافع آنان در روند همکاری یا تعارض راهبردی انجام می‌گیرد. بهره‌گیری از «سیاست‌گذاری همکاری‌های چند موضوعی» همانند بهره‌گیری از موشک‌های چندپیکانه است (Chehayeb, 2021, p. 5).

۲-۳. چانه‌زنی دیپلماتیک در راستای متقاعدسازی بازیگران رقیب

نظریه پردازانی همانند هووی^۱ و هیوز^۲ بر این موضوع تأکید دارند که الگوی ایران دربارهٔ تحریم‌ها بر دو نشانهٔ ادامه تحریم به موازات ادامهٔ چانه‌زنی سیاسی مبتنی می‌باشد. به طبع در این فرایند زمینه برای گسترش تهدید به گونه‌ای افزایش پیدا می‌کند که یا در شرایط تحریم شدید زمینه برای مقاومت یا تسلیم ایجاد می‌شود. بسیاری از نشانه‌های تحریم اقتصادی ایران بیانگر آن است که چنین فرایندی به نتایجی همانند «مقاومت» یا «تسلیم» منجر می‌گردد.

ضرورت‌های سیاست‌گذاری همکاری‌های چندموضوعی ایجاب می‌کند که الگوی مصالحه حد واسط وضعیت مقاومت و تسلیم شکل گیرد. عموم کشورهایی که در معرض تحریم قرار می‌گیرند، تمایل چندانی به پذیرش هنجارهای بین‌المللی ندارند. آنان چنین هنجارهایی را به مثابه نشانه‌ای از فرادستی سیاست بین‌الملل می‌دانند؛ به همین دلیل مدل بازی تحریم را که هوزبی تنظیم کرده است، می‌توان بخشی از واقعیت تحریم‌هایی دانست که در حوزه‌های مختلف جغرافیایی اعمال می‌شود.

هوزبی به این موضوع اشاره دارد که ایران و آمریکا صرفاً برای اعمال تحریم‌های ملایم آمادگی دارند. اگر تحریم‌ها گسترش یابد، زمینه برای پرهزینه‌بودن فرایند تحریم به وجود می‌آید. سیاست‌گذاری همکاری‌های چندموضوعی نیازمند بهینه‌سازی سازوکارهای کنش اقتصادی و قابلیت‌های راهبردی از طریق نقش‌یابی سیاست خارجی در حوزه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است. در چنین شرایطی کشورهایی

1. Howey

2. Hughes

همانند ایران برای نقش‌یابی قدرت منطقه‌ای نیازمند بهینه‌سازی مزیت نسبی اقتصادی و راهبردی خود از طریق سازوکارهای دیپلماسی عمومی و چندجانبه‌گرایی خواهند بود (Felter & Brian, 2008, p. 74).

دیپلماسی عمومی مبتنی بر همکاری‌های چندموضوعی به مفهوم آن است که هر یک از بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای، نقش دیگر بازیگران در حوزه راهبردی را درک می‌کنند. هرگونه سازوکار مربوط به دیپلماسی عمومی می‌تواند زمینه شکل‌گیری همکاری‌های چندموضوعی در روابط ایران با دیگر کشورها را فراهم سازد. تلاش ایران برای کاهش تحریم‌ها در شرایطی امکان‌پذیر است که زمینه برای چندجانبه‌گرایی جمهوری اسلامی در فضای دیپلماسی نفتی به وجود آید.

دیپلماسی اقتصادی، محور اصلی چندجانبه‌گرایی ایران در روند کاهش فشارهای اقتصادی ایالات متحده به شمار می‌آید. برخی از نظریه‌پردازان اقتصادی بر این باورند که سیاست‌های تحریم اقتصادی نه تنها درآمد دولت از مبادلات عمومی را کاهش خواهد داد، بلکه زمینه‌های لازم برای حاشیه‌ای‌سازی و ایجاد محدودیت در قدرت ساختاری جمهوری اسلامی را امکان‌پذیر می‌سازد. چنین فرایندی تضادهای جامعه و دولت را در طولانی‌مدت افزایش می‌دهد (خادم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹).

۳-۳. دیپلماسی عمومی همکاری‌های چندموضوعی

یکی از حوزه‌های اصلی دیپلماسی عمومی را می‌توان تلاش سازمان‌یافته کشورها برای به‌حداقل‌رساندن چالش‌های امنیتی از طریق اجماع‌سازی بین‌المللی دانست. مذاکرات ایران و کشورهای گروه ۵+۱ در قالب دیپلماسی هسته‌ای انجام گرفت. دیپلماسی هسته‌ای را می‌توان تلاش دیپلماتیک برای حداکثرسازی توافق ایران و قدرت‌های بزرگ در ارتباط با موضوعات راهبردی دانست. در این ارتباط، دابل‌گریپ بر ضرورت تداوم فرایند دیپلماتیک تأکید دارد (Guido, 2021, p. 34).

دیپلماسی عمومی فرایندی است که می‌تواند زمینه‌های لازم برای حل اختلافات از طریق همکاری درباره موضوعات اجتماعی و غیرامنیتی را فراهم سازد. کاهش رفاه

اجتماعی در کشوری که دارای اقتصاد رانتهی است، بی‌اعتمادی جامعه به دولت را بیشتر می‌کند. بی‌اعتمادی مردم به دولت، زمینه‌های لازم برای کاهش سرمایه اجتماعی را فراهم می‌سازد. هرگونه کاهش سرمایه اجتماعی دولت، تضادهای جامعه و حکومت را به گونه‌ی مشهودی تشدید می‌سازد.

در روند دیپلماسی عمومی زمینه برای همکاری‌های چندموضوعی پدید می‌آید. دیپلماسی عمومی در فضای چندجانبه‌گرایی می‌باید اولویت‌های راهبردی جدیدی برای کشورهایمانند ایران، آمریکا و اتحادیه اروپا به وجود آورد. اگرچه سیاست تحریم می‌تواند مطلوبیت‌هایی را برای برخی از کشورهای منطقه‌ای همانند اسرائیل و عربستان ایجاد کند، سیاست‌گذاری همکاری‌های چندموضوعی دابل‌گریپ به مفهوم «توافق بزرگ» در راستای موازنه قدرت منطقه‌ای خواهد بود.

دیپلماسی عمومی مبتنی بر چندجانبه‌گرایی اقتصادی در همکاری‌های بین‌المللی می‌تواند زمینه‌های لازم برای کاهش محدودیت‌ها و افزایش مطلوبیت‌های ایران برای پایان‌دادن به تمامی تحریم‌های نفتی، مالی، بانکی، تجاری و تسلیحاتی را نیز پدید آورد. یکی از مدل‌های پایان‌دادن به محدودیت‌های اقتصادی و راهبردی مانند تحریم‌های ایران در حوزه‌های حقوق بشر، هسته‌ای، موشک‌های بالستیک و سیاست منطقه‌ای را دابل‌گریپ تنظیم کرده است (Henderson, 2022, p. 72).

پایان‌دادن به هر یک از حوزه‌های یادشده را می‌توان در زمره اهداف راهبردی ج.ا.ا. دانست. رکس تیلرسون، وزیر امور خارجه پیشین ایالات متحده به رویکرد نظریه‌پردازانی همانند دابل‌گریپ توجه داشت. اگرچه چنین رویکردی مورد توافق دونالد ترامپ و کاخ سفید قرار نگرفت. نقشه راه دیپلماتیک تنظیم‌شده توسط مایکل پومپئو ماهیت مقابله‌جویانه داشت و به فشارهای فزاینده علیه ایران معطوف بود.

طبیعی است که این مدل بر اساس الگوی کنش چندبعدی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی اجرا می‌شود. چنین الگویی به مفهوم آن است که از طریق ایزوله کردن سیاسی یک کشور، احتمال افزایش محدودیت‌های اقتصادی نیز فراهم شود. دیپلماسی پایان‌دادن به تحریم‌ها در چارچوب سیاست‌گذاری همکاری‌های

چند موضوعی به معنای آن است که اقدامات یک بعدی نمی‌تواند اهداف راهبردی کشورها برای بهینه‌سازی موقعیت خود را فراهم آورد (بازکیان و همکاران، ۱۳۹۸). در شرایطی که دیپلماسی عمومی ایران با رویکرد چندجانبه‌گرایی صرفاً به موضوع خاصی معطوف باشد، نتایج محدودتری ایجاد می‌شود. بخشی از سیاست‌گذاری همکاری‌های چندموضوعی به گذار از اعتمادسازی به سوی سازوکارهای کنش مسئولانه در حوزه راهبردی معطوف خواهد بود. دیپلماسی عمومی مبتنی بر چندجانبه‌گرایی و همکاری‌های چندموضوعی این ویژگی را دارد که زمینه‌های لازم را برای اثرگذاری بر فضای کنش راهبردی بازیگران امکان‌پذیر می‌سازد (Pollack, 2014, p. 115).

۳-۴. دیپلماسی عمومی مبتنی بر همکاری‌های چندضلعی منطقه‌ای

ضرورت‌های گذار از حوزه‌های تحریم اقتصادی ایجاب می‌کند که ایران نقش مؤثری در دیپلماسی منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا کند. تاکنون تحریم‌های اعمال‌شده نهادهای مختلف، به موضوعات متفاوتی معطوف بود که پس از دیپلماسی هسته‌ای فراروی ایران قرار گرفته است. در دوران موجود باید از طریق «سیاست‌گذاری تراکم کنش تعاملی» در حوزه‌های راهبردی، زمینه گذار از تحریم‌ها در فضای موضوعات متنوع راهبردی به وجود آید.

دونالد ترامپ، ناسیونالیست‌ها، گروه‌های محافظه‌کار و مجموعه‌های اسرائیل محور در آمریکا به پایان یافتن تحریم‌های ایران تمایلی ندارند. آنان بر ضرورت تداوم دیپلماسی اجبار تأکید دارند. ضرورت‌های دیپلماسی همکاری‌های چندموضوعی معطوف به آن است که موضوعات ذیل به‌عنوان اصلی‌ترین محورهای دیپلماسی پس‌ابرجام مورد توجه نهادهای اقتصادی، دیپلماتیک و راهبردی ایران قرار گیرد. کنگره آمریکا نیز برای اثرگذاری بر تصمیم‌های راهبردی دولت ترامپ تمایلی ندارد. به‌طور کلی کنگره از انگیزه لازم برای اعمال فشارهای اقتصادی و راهبردی غیرمنزاعه‌آمیز در برخورد با ایران برخوردار است.

ساختار قدرت در آمریکا ماهیت «مهار و موازنه» دارد. چنین ساختاری به معنای آن

است که هیچ یک از نهادهای سیاسی و شخصیت‌های راهبردی به تنهایی قادر به اعمال نگرش خود در روند تصمیم‌گیری سیاسی نخواهد بود. مهم‌ترین چالش سیاست‌گذاری راهبردی ایران آن است که چگونه کنگره آمریکا می‌تواند بازی‌های جدیدی را برای افزایش محدودیت‌های اقتصادی با عنوان سازوکارهای مقابله با تهدیدهای راهبردی ایران به وجود آورد (Kahn, 2014, p. 25).

قانون موسوم به «طرح کورکر - منندز» به موازات قوانین دیگری همانند «کاتسا»ی کنگره ایالات متحده تأثیر خود را بر چگونگی تصویب تحریم‌های جدید و کم‌اثرسازی فرایند موسوم به «عادی‌سازی روابط ایران با نظام بین‌الملل» به جا گذاشته است. بر اساس این طرح، تحریم‌های مربوط به تهدیدها و اتهام‌های تیم سیاست راهبردی دونالد ترامپ به ایران درباره «تروریسم»، «حقوق بشر» و «موشک‌های بالستیک» نه تنها تداوم یافته، بلکه «گروه اقدام ایران» به رهبری «برایان هوک» که در وزارت امور خارجه آمریکا شکل گرفته است، تحریم‌ها را تشدید می‌کند.

در فرایند محدودسازی قدرت راهبردی ایران، تحریم‌ها فراتر از قابلیت هسته‌ای به موضوعات دیگری مانند تروریسم و قابلیت‌های موشکی تسری پیدا کرده است. وقتی که تیم راهبردی و سیاست خارجی دونالد ترامپ از مفهوم تروریسم بهره می‌گیرند، این بدان معناست که الگوی رفتاری ایران در حوزه سیاست‌های منطقه‌ای را مهار خواهند کرد. سیاست‌گذاری همکاری‌های چندموضوعی ایران می‌تواند زمینه دیپلماسی منطقه‌ای را به گونه‌ای فراهم سازد که امکان کاهش فشارهای جدید در برخورد با ایران را فراهم سازد.

روندهای موجود بیانگر آن است که فرایند محدودسازی قدرت ایران توسط نهادهای سیاسی و راهبردی آمریکا در دوران دونالد ترامپ افزایش یافته است. در چنین فرایندی، سیاست‌گذاری مصالحه راهبردی از طریق سازوکارهای همکاری‌های چندموضوعی و چندجانبه ایران در قالب نهادهای بین‌المللی، می‌تواند برخی از محدودیت‌های راهبردی علیه ایران را کاهش دهد. سیاست‌گذاری همکاری‌های چندموضوعی ایران در برابر سازوکارهای افزایش محدودیت ترامپ علیه ایران نه تنها به

اعتمادسازی می‌انجامد، بلکه زمینه‌های لازم برای بهینه‌سازی روابط اقتصادی ایران و دیگر بازیگران در حوزه سیاست جهانی را فراهم می‌سازد.

وضعیت فوق‌العاده در سیاست راهبردی آمریکا علیه ایران تا سال ۲۰۲۳ ادامه یافته است. در شرایطی که وضعیت فوق‌العاده علیه ایران به کار گرفته می‌شود، رئیس‌جمهور می‌تواند محدودیت‌های اقتصادی و راهبردی جدیدی را در چارچوب قوانین کنگره یا دستورعمل اجرایی رئیس‌جمهور درباره ایران اعمال کند. در شرایط پس از برجام، ادبیات راهبردی آمریکا بیشتر به مقابله با تروریسم و قابلیت‌های موشکی ایران معطوف بوده است (Katzman, 2021, p. 13).

آمریکا تلاش دارد تا قابلیت ایران برای تخصیص منابع مالی گروه‌های انقلابی منطقه‌ای و ارتقای قابلیت موشک‌های بالستیک را کاهش دهد؛ به همین دلیل از مفاهیمی همانند پولشویی، نقض حقوق بشر، تروریسم و امنیت اسرائیل برای توجیه سیاست‌های عملی خود در راستای محدودسازی قدرت اقتصادی ایران در محیط منطقه‌ای بهره می‌گیرد. روند موجود نشان می‌دهد که سیاست راهبردی آمریکا در مقابله با ایران به «تحریم» و «مهار» معطوف است و برنامه جامع اقدام مشترک در عمل بر سیاست‌های دوگانه آمریکا برای محدودسازی ساختاری قدرت ایران تأثیری نداشته است.

نتیجه‌گیری

دیپلماسی عمومی ایران پس از برجام تحت تأثیر فشارهای بین‌المللی و محدودیت‌های راهبردی قرار داشته است. هر یک از کارگزاران سیاست خارجی ایران کوشیده‌اند زمینه لازم را برای به کارگیری سازوکارهای همکاری‌جویانه با سیاست بین‌الملل فراهم آورند. برخی از الگوی کنش رفتاری ایران بر سازوکارهایی مبتنی بود که سیاست جهان غرب را با نشانه‌هایی از تهدید متقابل روبه‌رو می‌ساخت. در این فضا بود که زمینه برای ظهور دیپلماسی عمومی ایران به وجود آمد.

اصلی‌ترین نشانه دیپلماسی عمومی ایران را می‌توان در ارتباط با کنش متقابل بازیگران برای دستیابی به نقطه تعادلی دانست. هرگونه توافق نیازمند شکل‌گیری موازنه

قدرت و تعادل انتظارات است؛ بنابراین ایران در صدد برآمد تا دیپلماسی عمومی خود را در قالب «سازوکارهای مسیر دوم» در فرایند توافق و همکاری با دیگر بازیگران تأثیرگذار شکل دهد. حل و فصل بحران و مدیریت چالش‌های امنیتی و اقتصادی به مثابه بخش قابل توجهی از قالب‌های رفتاری دیپلماسی عمومی ایران به شمار می‌آید.

گام اول دیپلماسی عمومی ایران بر نشانه‌هایی از شفاف‌سازی و اعتمادسازی مبتنی بوده است. هرگونه شفاف‌سازی می‌باید زمینه همکاری متقابل بازیگران در فضای ابهام را پدید آورد؛ در غیر این صورت، زمینه برای افزایش تضادهای جدید به وجود خواهد آمد. بر اساس سازوکارهای ایران در محیط منطقه‌ای، زمینه برای ظهور نشانه‌هایی از همکاری مرحله‌ای به وجود می‌آید. ترسیم نقشه راه دیپلماسی عمومی از این نظر اهمیت دارد که رابطه متقابل بازیگران را برای حل و فصل چالش‌های فراروی کشورها شکل می‌دهد.

دیپلماسی عمومی سیاست خارجی ایران نیازمند همبستگی در ساختار داخلی و بهره‌گیری از نقشه راه به نسبت یکسانی برای پیشبرد الگوهای همکاری جویانه بین بازیگران نامتجانس است. بهره‌گیری از قالب‌های گفتگومانی مبتنی بر کنش همکاری جویانه، زمینه شکل‌گیری «بازنمودها»،^۱ «سمبل‌ها»^۲ و «قواعد اجرایی» برای حل و فصل موضوعات اختلاف‌برانگیز را فراهم می‌سازد. هر گفتگومانی در سازوکارهای دیپلماسی عمومی سیاست خارجی ایران از قابلیت لازم برای اثرگذاری در فضای کنش ارتباطی با الگوی تعاملی برخوردار خواهد بود.

در فضای پسابرجامی، دیپلماسی عمومی ایران بر سازوکارهای کنش چندجانبه مبتنی بوده است. در این فرایند تلاش ایران برای حداقل‌سازی تهدیدهای اقتصادی ناشی از اعاده تحریم‌های پسابرجامی شکل گرفته و تأثیر خود را در فضای اقتصاد سیاسی ایران به جا گذاشته است. اگر خواسته باشیم رابطه معناداری میان گفتگومان‌های سیاست خارجی ایران و فرایند دیپلماسی هسته‌ای تبیین کنیم، به این جمع‌بندی می‌رسیم که سه گفتگومان در فضای برجامی و پسابرجامی شکل گرفته است.

1. Representations.

2. Symbols.

فهرست منابع

۱. آشنا، ح؛ جعفری هفت خوانی، ن. (۱۳۹۶). دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی؛ پیوندها و اهداف. دانش سیاسی، شماره ۵، صص ۱۷۹-۲۰۶.
۲. پاکیان، ا؛ آذین، ا؛ جعفری نژاد، م. (۱۳۹۸). ابعاد و شاخص‌های دیپلماسی عمومی مقام معظم رهبری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۰(۴۰)، صص ۳۲۳-۳۴۶.
۳. پوراحمدی و دیگران، (۱۳۸۹). دیپلماسی نوین: جستارهایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات دفتر مطالعات وزارت خارجه.
۴. خادم‌زاده، ج؛ ایزدی، ج؛ سلطانی، ع.ر. (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی ساختاری دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌های راهبردی، ۹(۳۴)، صص ۱۰۷-۱۴۱.
۵. داداندیش، پ؛ احدی، ا. (۱۳۹۰). جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. روابط خارجی، ۳(۹)، صص ۱۴۳-۱۷۳.
۶. رحمانی، م. (۱۳۹۴). دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی. مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۶(۱۵)، صص ۶۳-۹۰.
۷. سازمند، ب؛ براتی، م. (۱۳۹۳). الزامات و چالش‌های دیپلماسی عمومی ایران در عصر جهانی‌شدن. تهران: انتشارات مرکز ملی مطالعات جهانی‌شدن.
۸. سلیمی‌بنی، ص؛ مجاورشیخان، م. (۱۳۹۲). جایگاه دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی کشورها. پژوهش در تاریخ، ۴(۳).
۹. نیک‌آیین، ا. (۱۳۸۸). دیپلماسی عمومی؛ رویکردی نو در عرصه روابط بین‌الملل. سیاست خارجی، شماره ۸۸، صص ۳۶۱-۳۹۴.
۱۰. هادیان، ن؛ بلورچی، م.ع. (۱۳۹۳). دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در قبال مسلمانان انگلیس (۱۳۹۲-۱۳۸۴). سیاست خارجی، ۲۸(۱)، صص ۷۱-۹۸.

11. Biden, J. (2020). Why America Must Lead Again; Rescuing U.S. Foreign Policy after Trump. *Foreign Affairs*, 99(2), pp.68-76.
12. Brehony, N. (2020). War in Yemen: No End in Sight as the State Disintegrates. *Asian Affairs*, 51(3), pp. 510–527.
13. Chehayeb, K. (2021). Lebanon Minister Kordahi Resigns to Resolve Saudi government Dispute. *Al Jazeera*, 3dec, available at: <https://www.aljazeera.com/news/2021/12/3/lebanon-minister-kordahi-resigns-to-resolve-saudi-arabia-spat>
14. Erdbrink, T. (2013). Once an Outcast, Iranian Minister Hope of Easing Tensions. *New York Times*, 26 august, available at: <https://www.nytimes.com/2013/08/27/world/middleeast/irans-pick-for-nuclear-talks-carries-hope-of-eased-tensions.html>
15. Felter, J. & Fishman, B. (2008). *Iranian Strategy in Iraq: Politics and Other Means*. New York: West Point.
16. Guido, S. (2021). The axis of resistance: Iran's expansion in the Middle East is hitting a wall. URL= <https://ideas.repec.org/p/zbw/swprps/62021.html>
17. Henderson, S. (2022). Saudi Arabia Adjusts Its History, Diminishing the Role of Wahhabism. *Policy Analysis*, February, 11. <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/saudi-arabia-adjusts-its-history-diminishing-role-wahhabism>
18. Kahn, J. (2014). Iran Lures Investors Seeing Nuclear Deal End Sanctions. *Bloomberg*, 18 August. <https://www.bloomberg.com/news/articles/2014-08-17/iran-lures-investors-seeing-nuclear-deal-ending-sanctions>
19. Katzman, K. (2021). Iran's Foreign and Defense Policies. *Congressional research service*. URL= <https://sgp.fas.org/crs/mideast/R>.
20. Landale, J. (2021). Hamas to be Declared a Terrorist Group by UK. *BBC News*. URL= <https://www.bbc.com/news/uk-59346441>
21. Lawlor, K., Coles Z. & Yachyshen, D. (2021). *Iran's Axis of resistance activity*. Washington: Institute for the Study of War.

22. Mallett, E. (2021). *Iran: US policy of 'maximum pressure' has failed; why the west needs to re-engage Tehran*. URL= <https://theconversation.com/iran-us-policy-of-maximum-pressure-has-failed-why-the-west-needs-to-re-engage-tehran-153011>
23. Mossalanejad, A. (2018). The Middle East Security and Donald Trump's Grand Strategy. *Geopolitics Quarterly*, 13(4), pp. 20-52.
24. Nye, J. (2002). *The information revolution and American soft power*. URL= <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/13439000220141596>
25. Obama, B. (2015). *UN: Leaders' Summit to Counter ISIL and Violent Extremism*. Washington DC: US department of State Publication.
26. Pollack, K. M. (2014). An Army to Defeat Assad: How to Turn Syria's Opposition Into a Real Fighting Force. *Foreign Affairs*, 93(5), pp. 110-124.
27. Zach, C. (2021). Iran's Axis of Resistance in Activity", Accelerated Saudi Pressure Campaign Threatens Lebanese Hezbollah. In *Review*, No. 8. <https://www.understandingwar.org/backgrounder/iran%E2%80%99s-axis-resistance-review-november-8-%E2%80%93-december-6>

References

1. Ashna, H., & Jafari Haftkhani, N. (1396 AP). Public Diplomacy and Foreign Policy: Connections and Objectives. *Political Science*, 5, 179-206. [In Persian]
2. Biden, J. (2020). Why America Must Lead Again; Rescuing U.S. Foreign Policy after Trump. *Foreign Affairs*, 99(2), pp. 68-76.
3. Brehony, N. (2020). War in Yemen: No End in Sight as the State Disintegrates. *Asian Affairs*, 51(3), p. 510-527.
4. Chehayeb, K. (2021). *Lebanon Minister Kordahi Resigns to Resolve Saudi government Dispute*. Al Jazeera, Retrieved from <https://www.aljazeera.com/news/2021/12/3/lebanon-minister-kordahi-resigns-to-resolve-saudi-arabia-spat>
5. Dadandish, P., & Ahadi, A. (1390 AP). The Position of Public Diplomacy in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran. *Foreign Relations*, 3(9), 143-173. [In Persian]
6. Erdbrink, T. (2013). *Once an Outcast, Iranian Minister Hope of Easing Tensions*. New York Times, 26 august, Retrieved from <https://www.nytimes.com/2013/08/27/world/middleeast/irans-pick-for-nuclear-talks-carries-hope-of-eased-tensions.html>
7. Felter, J., & Fishman, B. (2008). *Iranian Strategy in Iraq: Politics and Other Means*. New York: West Point.
8. Guido, S. (2021). *The axis of resistance: Iran's expansion in the Middle East is hitting a wall*. URL=<https://ideas.repec.org/p/zbw/swprps/62021.html>
9. Hadian, N., & Bolourchi, M. A. (1393 AP). Iranian Diplomacy towards Muslims in England (1384-1392). *Foreign Policy*, 28(1), 71-98. [In Persian]
10. Henderson, S. (2022). Saudi Arabia Adjusts Its History, Diminishing the Role of Wahhabism. *Policy Analysis*, February, 11. <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/saudi-arabia-adjusts-its-history-diminishing-role-wahhabism>
11. Kahn, J. (2014). *Iran Lures Investors Seeing Nuclear Deal End Sanctions*. Bloomberg, 18 August. <https://www.bloomberg.com/news/articles/2014-08-17/iran-lures-investors-seeing-nuclear-deal-ending-sanctions>
12. Katzman, K. (2021). *Iran's Foreign and Defense Policies*. *Congressional research service*. URL= <https://sgp.fas.org/crs/mideast/R>

13. Khademzadeh, J., Izadi, J., & Soltani, A. R. (1399 AP). Structural Pathologies of Public Diplomacy in the Islamic Republic of Iran. *Strategic Studies Research*, 9(34), 107-141. [In Persian]
14. Landale, J. (2021). *Hamas to be Declared a Terrorist Group by UK*. BBC News. URL= <https://www.bbc.com/news/uk-59346441>
15. Lawlor, K., Coles, Z., & Yachyshen, D. (2021). *Iran's Axis of resistance activity*. Washington: Institute for the Study of War.
16. Mallett, E. (2021). *Iran: US policy of 'maximum pressure' has failed; why the west needs to re-engage Tehran*. URL=<https://theconversation.com/iran-us-policy-of-maximum-pressure-has-failed-why-the-west-needs-to-re-engage-tehran-153011>
17. Mossalanejad, A. (2018). The Middle East Security and Donald Trump's Grand Strategy. *Geopolitics Quarterly*, 13(4), pp. 20-52.
18. Nikayin, A. (1388 AP). Public Diplomacy: A New Approach in International Relations. *Foreign Policy*, 88, pp. 361-394. [In Persian]
19. Nye, J. (2002). *The information revolution and American soft power*. URL=<https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/13439000220141596>
20. Obama, B. (2015). *UN: Leaders' Summit to Counter ISIL and Violent Extremism*. Washington DC: US department of State Publication.
21. Pazokian, A., Azin, A., & Jafari Nezhad, M. (1398 AP). Dimensions and Indicators of Public Diplomacy in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran's Supreme Leader. *Political and International Studies*, 10(40), 323-346. [In Persian]
22. Pollack, K. M. (2014). An Army to Defeat Assad: How to Turn Syria's Opposition Into a Real Fighting Force. *Foreign Affairs*, 93(5), 110-124.
23. Pourahmadi., et al. (1389 AP). *Modern Diplomacy: Essays on the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications Office. [In Persian]
24. Rahmani, M. (1394 AP). Public Diplomacy and Foreign Policy. *Strategic Studies of Public Policy*, 6(15), 63-90. [In Persian]

25. Salimi Bani, S., & Mojaver Sheykhani, M. (1392 AP). The Role of Cultural Diplomacy in the Foreign Policy of Countries. *Research in History*, 4(3). [In Persian]
26. Sazmand, B., & Barati, M. (1393 AP). *Requirements and Challenges of Public Diplomacy in Iran in the Age of Globalization*. Tehran: National Center for Globalization Studies Publications. [In Persian]
27. Zach, C. (2021). *Iran's Axis of Resistance in Activity*", *Accelerated Saudi Pressure Campaign Threatens Lebanese Hezbollah*, 8. Retrieved from <https://www.understandingwar.org/backgrounder/iran%E2%80%99s-axis-resistance-review-november-8-%E2%80%93-december-6>